



گزارشی از شب‌های محرمی مسجدالمنتظر (عج)
که کارهای کلیدی‌اش با نوجوانان و کودکان است

۵۴

من بچه مسجدی‌ام



فضای روستایی و عشایری زیست پارک، تفرجگاه
خانوادگی مشهدی‌ها شده است

تجربه یک زیست متفاوت

۶



۲ بلندی درختان کاج و چنار خیابان گلدیس برای
اهالی خطرآفرین شده است

درخت سبک می‌شود؛ ولی قطع، نه!

یادبودی از مهدی جودی ثانی، شهید مدافع حرم
در سالروز شهادتش

۷

سید مهدی

رنگ شاه توت‌ها را ندید



بلندی درختان کاج و چنار خیابان گلدیس
برای اهالی خطرآفرین شده است

درخت سبک می شود ولی قطع، نه!



نجمه موسوی کاهانی: درختان کاج و چنار که سال‌ها خیابان گلدیس همای ساکنان، عمر گذرانده‌اند و این روزها نیاز به مراقبت بیشتری دارند. یکی از مشکلاتی که در محله قدیمی گلدیس وجود دارد، درختان کاج و چنار هستند که زمانی سرسبز و زیباترین برای مردم خوشایند بودند و اکنون تنه‌های خشک شده‌شان تهدیدی برای اهالی محسوب می‌شود. برخی از این درخت‌ها روی خانه‌ها خیم شده‌اند و با هر وزش باد، آرامش را از ساکنان آن‌ها می‌گیرد. پیربرگ و بار شدن درختچه‌های آیلند میانی بولوار گلدیس هم چندین بار در این خیابان حادثه آفرین بود و حتی سال گذشته، دیدن آشتن رانندگان، کودکی را راهی بیمارستان کرد. با اهالی محله گلدیس همراه شدیم و مشکلاتشان را شنیدیم. وقتی دیدیم مشکلات جدی‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد، شهردار منطقه را هم به نقاط پرخطر بردیم تا چاره‌ای برای معضلات این محله و اهالی‌اش بیندیشد.

● درختانی که روی خانه‌ها خیم شده‌اند

بهرام زرین نیادرختان چنار سر به فلک کشیده جلومغازه‌اش را حاصل دسترنج خودش می‌داند و می‌گوید: من چهارده درخت را اینجا کاشتم و تا سال‌ها آن‌ها را آبیاری می‌کردم. اما از وقتی خیابان آسفالت شد و شهرداری، مسئولیت آبیاری درختان را به عهده گرفت، یکی در میان خشک شدند.

حاج حسین مکاریان هم یک باغچه بزرگ در پیاده‌رو جلومغازه‌اش دارد که چندتا از درخت‌هایش کج شده‌اند به سمت خانه‌اش که سر نبش گلدیس ۶ است. با افسوس می‌گوید: این درخت‌ها را خودم کاشتم. مثل اولادم دوستشان داشتم. حالا خشک شده‌اند و ممکن است شاخه‌هایش به داخل خانه بیفتد.

تعداد زیادی از ساکنان این خیابان بازنشسته‌های شهرداری و استانداری و فرمانداری هستند. احمد تشدید می‌گوید: زمانی رئیس اجرائیات شهرداری بوده است. می‌گوید: ما خودمان محل زندگی مان را آباد کردیم و دل‌مان می‌سوزد که با غفلت مسئولان همه چیز دارد فرسوده می‌شود.

بعد از اینکه چند درخت پیر را در خیابان گلدیس نشان می‌دهد، ما را به کوچه‌های شهرآرا و گلدیس می‌برد تا شدت خطر فرسودگی درختان را بیشتر متوجه شویم. او در درخت کاج قدیمی که فقط سرشاخه‌هایی از آن‌ها باقی مانده است و با کابل ضخیمی به هم وصل شده‌اند، نشان می‌دهد و می‌گوید: این درخت را ببینید؛ خوابیده روی خانه مردم. امان از وقتی که باد شدید یا برف بیاید؛ هر لحظه احتمال دارد سقوط کند. صاحب خانه با صدایی که از سمت کوچه می‌شنود، در حیاط را باز می‌کند و متوجه موضوع صحبت می‌شود. طوبی قوی پنجه در را کامل

مردم را از نزدیک ببیند. سعید حسینی زاده مقدم می‌گوید: جابه جایی درختان ممکن نیست و به خاطر کم‌آبی، چمن‌کاری و گل‌کاری هم در دستور کار قرار ندارد. به اداره فضای سبز هم نامه زده ایم اما کمیسیون با جمع‌آوری درختان موافقت نکرده است.

او با بیان اینکه «ما فقط می‌توانیم میزان هرس درختان را بیشتر کنیم و تاج درخت را بالاتر ببریم»، بیان می‌کند: از همکارانم در اداره فضای سبز منطقه می‌خواهم فاصله زمانی هرس درختان این خیابان را کمتر کنند؛ به این ترتیب مشکل دید رانندگان برطرف می‌شود.

● درختان قدیمی سبک می‌شوند

احمد تشدید می‌گوید: آقای شهردار، درست است که درختان وسط بولوار آبیاری می‌شوند اما هر درختی عمری دارد. او درختان خشکیده‌ای را که سر کج کرده است و ساکنان را تهدید می‌کند، به شهردار نشان می‌دهد و او را تا خانه پلاک ۳ که دو کاج روی آن خیم شده‌اند، می‌برد. حسینی زاده مقدم با دیدن درختانی که با کابل به هم متصل شده‌اند، گوشی همراهش را در دست می‌گیرد و بعد از چند تماس می‌گوید: خوب بختانه درخت، خطرناک نیست و ریشه محکم می‌دارد.

او مردم را توجیه می‌کند که کمیسیون اجازه نمی‌دهد درخت قطع شود و می‌گوید: این درخت زنده است؛ فقط کافی است قسمت بالایی آن سبک شود. در حال حاضر که میزان شاخ و برگ‌ها زیاد است، مثل بادبان باد را می‌گیرد. اما وقتی برگ‌های میانی خالی شود، باد را رد می‌کند و خطر ندارد.



بازی کند تا شدت خم شدن درخت را از داخل حیاط بهتر ببینیم. این مادر نگران می‌گوید: این درخت نصف خانه مان را پوشانده است. وقتی بادی وزد، جرئت نمی‌کنیم در پی‌یرایی یا اتاق‌ها باشیم و همه مان در آشپزخانه جمع می‌شویم.

قوی پنجه به دخترش می‌گوید گوشی همراهش را بیاورد تا شماره نامه‌هایی را که به شهرداری ارسال کرده است، نشانمان دهد؛ با شهرداری تماس گرفتیم و گفتیم که وضعیت این درخت خطرناک است. گفتند در سایت ثبت نام کنید. ثبت نام کردیم. آمدند و گفتند لازم نیست قطع شود، با کابل می‌بندیم. ولی امسال که باد شدید بود، می‌ترسیدیم در خانه بمانیم. این درخت‌ها که است و باید آن‌ها را قطع کنند».

● اصلاح نقاط حادثه‌خیز

رئیس شورای اجتماعی محله لادن درختان وسط بولوار نشان می‌دهد و توضیح می‌دهد که عابران هنگام عبور از عرض خیابان پر از پیچ و خم گلدیس، پشت درختچه‌ها قرار می‌گیرند و دیده نمی‌شوند. مرتضی حیران می‌گوید: این موضوع تاکنون بسیار حادثه‌ساز بوده و چندین بار هم در شهرآرا محله به آن پرداخته شده است. هر بار که به شهرداری مراجعه می‌کنیم، می‌آیند و درختچه‌ها را کمی هرس می‌کنند اما با تغییر فصل و شاخ و برگ گرفتن دوباره

درختچه‌ها مشکلات از نو شروع می‌شود. به ویژه در فصل زمستان که زمان تعطیلی مدارس، هواتاریک است و بچه‌های کوچک پشت این درختچه‌ها اصلا دیده نمی‌شوند.

● دستور برای هرس زود به زود درختان

شهردار منطقه ۹ به درخواست شهرآرا به محله گلدیس می‌آید تا مشکلات



هر بار که به شهرداری مراجعه می‌کنیم، می‌آیند و درختچه‌های آیلند بولوار گلدیس را کمی هرس می‌کنند اما با تغییر فصل و شاخ و برگ گرفتن دوباره درختچه‌ها مشکلات از نو شروع می‌شود

آرژنتا حسین زاده عطارا شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۸۵۹۶۴۰۸۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۲



دعوت محله ایثارگران از مادران دارای نوزاد

پس فردا اولین جمعه ماه محرم، قرار است جمعیت زیادی از مادران و دختران، خانم هایی که فرزند نوزاد دارند و کسانی که آرزوی فرزند دارند، در مسجد ولی عصر^(ع) خیابان شهید مشکینی دور هم جمع شوند و مراسم خاص شیرخوارگان حسینی را برگزار کنند. برای همه نوزادان سه ماهه تا دو ساله، لباس سبز و شال سبز و پیشانی بند سبز مهیا شده و مداحی و روضه خوانی برپاست. اهالی محله ایثارگران، بانی برگزاری مراسم هستند و با شیراز عزاداران پذیرایی می کنند.



محله خاتم الانبیا^(ص) در تدارک خیمه سوزان ظهر عاشورا

فعالان مسجد امام محمد باقر^(ع) در محله خاتم الانبیا^(ص) اهالی رابه شرکت در مراسم ظهر روز عاشورا دعوت کردند. هیئت این مسجد قرار است روز سه شنبه آینده، با اعضای تعزیه خوانش به سمت خیابان امام زمان ۱۶ برای برگزاری مراسم خیمه سوزان حرکت کنند. در طول مسیر، اهالی مثل هر سال با شربت و خرما از عزاداران در جلو خانه هایشان پذیرایی می کنند و به آن ها ملحق می شوند.

محله آماده شدن مساجد محله امام هادی^(ع) برای روز عاشورا

اهالی محله امام هادی^(ع) این روزها درگیر تدارکات برای برنامه روز عاشورا هستند. تکتم صفری، عضو شورای اجتماعی این محله، گفت: این روزها اهالی محله همه دست به دست هم می دهند و هر کس هر کاری از دستش ساخته است، انجام می دهد که در قبرستان موقوفه محله، مراسم باشکوه عاشورا با چندین هزار مخاطب برگزار شود. به گفته او فعالان چهار مسجد محله امام هادی^(ع) و یک مسجد شهرک حجت^(ع) با علم چوبی قدیمی شان در روز عاشورا راهی مراسم می شوند. بعد از مراسم هم نوبت آبگوشت است که سال ها پیش با یک گوسفند بار گذاشته می شود و حالا با قربانی پنجاه گوسفند نذری اهالی، شام عزاداران محله می شود.



شور محرم در محله رازی

مراسم ماه محرم در محله رازی به رسم هر ساله شروع شد و اهالی با طبل و سنج زنی در کوچه ها به استقبال محرم رفتند. آن ها از هم اکنون منتظر مراسم ویژه شام غریبان هستند. هر سال در این شب خاص، هیئتی ها بعد از برگزاری نماز مغرب و عشا فانوس های شمع را دستشان می گیرند. جلو منزل خانواده شهدا توقف می کنند و سنج و طبل می زنند و روضه می خوانند. بعد هم در مسجد سید الشهدا^(ع) پذیرایی انجام می شود.



جمع آوری آب های سطحی در بولوار شهید رفیعی

پروژه احداث کانال جمع آوری آب های سطحی بولوار شهید رفیعی با اعتبار ۲۷۵ میلیارد ریال در حال اجراست و تادی ماه امسال به بهره برداری می رسد. پروژه جمع آوری آب های سطحی از سال گذشته در محدوده معابر منطقه ۱۰ از جمله شهید فلاحی ۲، شریعتی ۴۷ و ۶۰ و شهید رفیعی ۷۰، ۷۱ و ۱۷ هم اجرا شده است.

پایگاه چند منظوره شهید بهدگانی در حال ساخت است

باتوجه به نبود پایگاه چند منظوره مدیریت بحران در محلات خاتم الانبیا^(ص) و امام هادی^(ع)، شهرداری در زمینی به مساحت ۱۲۰۰ متر مربع اقدام به احداث چنین پایگاهی کرده است. پایگاه چند منظوره شهید بهدگانی که در افزایش سرانه ورزشی هم کارایی دارد، با اعتبار ۳۳۸ میلیارد ریال و ۳۲ درصد پیشرفت فیزیکی نبش شهید بهدگانی ۵ در حال احداث است.

دیدار مردمی شهروندان با شهردار

در راستای رفع مشکل ساکنان و تکریم ارباب رجوع، شهردار منطقه ۱۰ و معاونانش و نیز رؤسای ادارات شهرداری منطقه ۱۰ در نشست ملاقات مردمی با شهروندان شرکت کردند. در این جلسه که دو شبانه هر هفته برگزار می شود، درخواست های هفت تن از شهروندان از سوی شهردار منطقه بررسی و دستورات لازم برای پیگیری و رفع مشکلات مراجعان صادر شد.



شهر خبر



رضار یا حی اکال زرکش در محدوده منطقه ۱۰ از بزرگراه پیامبر اعظم^(ص) تا بولوار توس، ۱۷۵۰ متر طول دارد که چهار پروژه بهسازی با اعتباری بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان در آن در حال اجراست.

شهردار منطقه ۱۰ در این باره می گوید: دیوار ساحلی کال زرکش به طول ۱۷۵۰ متر، ارتفاع ۲،۵ متر و عرض دوازده متر در حد فاصل بزرگراه پیامبر اعظم^(ص) تا بولوار توس با اعتباری بالغ بر ۵۵ میلیارد تومان احداث شده و آماده بهره برداری است.

وحید برجسته نژاد توضیح می دهد: تعریض پل مسیل زرکش و احداث کندرو بزرگراه پیامبر اعظم^(ص) با اعتبار ۳۵ میلیارد تومان، دیگر پروژه ای است که در این محدوده اجرامی شود. همچنین پروژه اتصال روستای زرکش به بزرگراه پیامبر اعظم^(ص) با احداث پلی به طول ۲۳ متر و عرض بیست متر اجرایی می شود.

شهردار منطقه ۱۰ در پایان می گوید: احداث معبر سواره رو حاشیه مسیل زرکش، چهارمین پروژه در حال اجراست که در نیمه اول امسال به بهره برداری می رسد. علاوه بر موضوعات عمرانی کال زرکش، حاشیه محدوده قانونی حریم کال نیز با توافق با شرکت آب منطقه ای در آینده نزدیک به منظور جلوگیری از ساخت و سازهای غیر مجاز تبدیل به فضای سبز خواهد شد.



خبر خوش شهردار منطقه ۱۰ به اهالی بولوار توس

کال زرکش سامان دهی می شود

گزارشی از
شب های محرمی مسجدالمنتظر (عج)
که کارهای کلیدی اش با نوجوانان و کودکان است

من بچه مسجدی ام



آزیتا حسین زاده عطار مراسم روضه خوانی و سینه زنی حسینی در محرم های مسجدالمنتظر (عج) محله استاد یوسفی جور دیگری برگزار می شود. اینجامعتمدان محله و پیر غلام هاگود خدمت حسینی را به نوجوانان و کودکان سپرده اند. خودشان هم به عنوان مرید در کنار آن ها حضور دارند. برگزارکنندگان اصلی این مراسم اما کودکان و نوجوانانی هستند که سه سالی می شود مراسم محرمی مسجد را به بهترین نحو برگزار می کنند. جمع آوری هزینه های محرم از اهالی محله و کاسب ها، برپا کردن خیمه ایستگاه صلواتی و چای و شربت دادن دست دوستداران اهل بیت (ع)، تدارک دکور محل برگزاری مراسم در شبستان مسجد، انجام امور پخت غذا و گرداندن آشپزخانه و خادم همیشگی مسجدالمنتظر (عج) بودن، همه و همه اینجابر عهده های دهه هشتادی و نودی است. اینجایک مسجد است که نوجوانانش زیر چتر اعتماد پیر غلام ها رشد می کنند و درس زندگی یاد می گیرند و بچه مسجدی های قدیمی اش، شده اند بال و پر بچه های دهه ۸۰ و ۹۰. حجت الاسلام والمسلمین مجتبی آریانی، پیش نماز مسجد، تعبیر زیبایی دارد: «این ایام یک سرش خدمت به محبان حسین (ع) و صاحبش است و یک سر دیگرش، ارائه یک مدل تربیتی برای کودکان و نوجوانان. ما برای انقلاب کادر تربیت می کنیم. خیلی از بچه های قدیم این مسجد، در جامعه سمت های عالی دارند.»

● ○ ایستگاه صلواتی در دست نوجوانان

و عکس و فیلم تهیه می کند. امیرحسین عطاری شست و شو و هادی عارف، چیدن لیوان ها را بر عهده دارند. امیرحسین محبی چای می ریزد و عرفان هروی هم صوت را روبه راه می کند. بچه های دیگر هم هر کدام وظیفه تعریف شده ای دارند که همان را به بهترین نحو انجام می دهند. نماز مغرب و عشاء تمام می شود و جمعیتی شاید هزار نفری از شبستان مسجد کم می آیند سمت ایستگاه صلواتی تا گلویی تازه کنند و برای مراسم عزاداری بازگردند.

می برد تا به گوشم برسد و می گوید: امسال قرار بود ایستگاه را بیست و چهار ساعته برپا کنیم و صبح شربت بدهیم و شب چای، اما بودجه مان هنوز کم است و فعلا قرار است از عصر تا ساعت ۲ شب فعال باشیم. شش دانگ حواش به بچه هاست و مثل پروانه در ایستگاه می چرخد که ببیند همه چیز سر جای خودش باشد، البته هر کدام از بچه ها کارشان را خوب بلدند و برای انجام کارها خود جوش عمل می کنند. علی معدنی مسئول رسانه است

جلو در مسجد، غوغایی برپاست. هنوز شب اول است و فوج جمعیت از محله های دور و نزدیک شهر، روانه مسجدالمنتظر (عج) شده اند که آوازه اش به عنوان مسجد نوجوان محور در قاسم آباد پیچیده است. یاسین ایزدی، نوجوان چهارده ساله، مسئول نیروهای نوجوان ایستگاه صلواتی است. بین ازدحام جمعیت و صدای روضه و مردمی که آمده اند تا چای متبرک مجلس حسینی را بنوشند، از آن سوی سکوی ایستگاه صلواتی، تن صدایش را کمی بالا

● ○ شعرخوانی بچه ها در حسینیّه

نه با قدم، فقط بادل، سلام بدیم به مولا... سرم را می چرخانم. چند مادر و پدر هم در انتهای حسینیّه کودک نشسته و فرزندان کوچک ترشان را روی پایشان نشاندند. ترجیح می دهند که در مراسم عزاداری، همراه کودکانشان شرکت کنند. همین طور که مجری روضه می خواند، دست های کوچک دختران و پسران را می بینم که با نوا «حسین (ع) حسین (ع)» مجری بالامی رود و روی سینه شان فرو می آید. یاد حرف های روحانی جوان مسجدی افتم که می گفت: «در حسینیّه کودک هم خادم المهدی ها مستقرند. محمد عرفان ملوندی که یک کلاس هفتمی است، مسئول خادمان حسینیّه کودک محرم امسال است و خادمان دیگر هم زیر نظر او کار می کنند.»

مشکی بر سر دارند. آن ها با دقت به صحبت های عموناب و دستیارش، مجری برنامه که داستانی از قهرمانان عاشورا به زبان کودکان و بانمایش بازگویی می کند، گوش می دهند. زهر در حالی که مشخص است حواش پرت مجری و حرف هایش است، روی صحبتش با من است: «من سال گذشته هم برای عزاداری به این حسینیّه آمدم. بخشی که خیلی دوست دارم، همین شعری است که از ما می خواهند حفظش کنیم و در آخرین روز هر که آن را حفظ باشد، جایزه می گیرد.» حسنا دانه حرف های زهر را با ذوق عجیبی می گیرد و می گوید: خاله! من کمی از شعر را حفظم؛ بخوانم؟ وقتی تأیید می کنم، شروع می کند: «آی بچه ها، بیاید بریم کربلا،

برنامه های این مسجد در محرم ها به شکلی خاص و متفاوت است. یک ایستگاه صلواتی و یک حسینیّه کودک و یک مهد کودک هم تعبیه شده است تا بزرگ ترها بتوانند با طیب خاطر در مراسم شرکت کنند. مراسم حسینیّه کودک در بوستان هم جوار مسجد، خاص کودکان و نوجوانان دختر و پسر هفت تا چهارده ساله است و در فضایی که باینر و سازه محصور شده است، برگزار می شود. هم خادم المهدی های نوجوان و هم چند خانم بزرگ تر که از کادر محرم هستند، هوای کوچک ترها را دارند. حسنا سادات بدرد سنگانی هفت ساله و فاطمه زهرا فرهمند نه ساله، مثل همه دختران کوچک این حسینیّه، چادرهایی

● ○ عطر گلاب و سربندهای سیاه

● ○ دختران نوجوان، مسئول بخش خانم‌ها

امروز دختران پذیرایی شبستان را عهده دار هستند. برخی بامشک‌های چرمین، آب به عزاداران تعارف می‌کنند. جای خانه شبستان هم مسئولیتش با دخترهای نوجوان است و تدارکات پذیرایی شان منظم و آماده است. مهدیه موحدی مسئولیت بخش دختران جوان از انتظامات گرفته تا پذیرایی شبستان را عهده دار است و ریحانه حسینی مسئولیت نوجوانان دختر را دارد. مهدیه می‌گوید: خانم سعیده امیرثالث از قدیمی‌های مسجد و سرگروه انتظامات دختران است و اعظم رحمانی هم مسئولیت کارگاه حسینی مادران را برعهده دارد. کل امور حسینی مادران که در صحن حیاط علم می‌شود و قرار است خانم‌ها در آنجا از مراسم فیض ببرند، با گروه دختران است. مادر حسینیه کودک هم نیروی انتظامات و خادم المهدی داریم که پنج دختر دبستانی هستند و دو خانم جوان.

ادامه صحبت هایمان با حاج آقای آریانی مقابل ایستگاه صلواتی است. صندلی‌هایی حوالی ایستگاه چیده شده است تا هرکس به هر دلیلی خواست در فضای بیرون بنشیند و از روضه فیض ببرد، بتواند. بعضی مسن هستند و برخی کودک والبتیه مادرانی هم حضور دارند که فرزند خردسالشان روی پیشان است. از مسیر خیمه تا ورودی مسجد، یک دالان با دیواره‌های پارچه‌ای کنفی درست شده است که مهمانان برای ورود به شبستان باید از آن عبور کنند. از سقف دالان حسینی، پارچه‌هایی به رنگ‌های سبز و قرمز و مشکی در اندازه سربند آویزان شده است. عطر گلاب مشام مهمانان را پر می‌کند. بعد عبور از دالان به کفش‌داری مسجد می‌رسیم و بعد هم شبستان است. مردها در محل جایگاه روضه خوان و خانم‌ها هم در قسمت عقب شبستان حضور دارند، بی‌اینکه دغدغه‌ای در نگهداری از فرزندانشان داشته باشند. حسین^(ع) حسین^(ع) گویان سینه می‌زنند. صدای روضه خوان در فضای شبستان می‌پیچد. اینجا دکور محرم هم هر سال تغییر می‌کند. رنگ لوستر قرمز می‌شود و نورپردازی‌هایی هم در سقف انجام می‌شود که پوریا عابدی، مسئول گروه نوجوانان آن است.

هر سال حدود ۲ هزار مخاطب حسینی، میهمان این مسجد در این روزها هستند و همین بچه‌ها صفر تا صدر سیدگی‌ها را برعهده دارند. امسال بودجه برای پخت غذا فقط کفاف پنج روز آخر دهه را می‌دهد. اما سال گذشته در همه ۱۰ شب پذیرایی شام داشته‌اند و آشپزی در خانه محسن آقاخانی که یک جوان دهه هفتادی بوده، انجام می‌شده است. همه کارهای آبکشی برنج و صفر تا صدر پخت خورش و کارهای دیگر برعهده چندین نوجوان دهه هشتادی بوده است.

حجت الاسلام والمسلمین آریانی وقتی درباره ساز و کار آشپزخانه حرف می‌زند، چشمانش از توانمندی‌های کشف شده در وجود این بچه‌ها از شوق برق می‌زند: «شاید باورش برای خیلی‌ها سخت باشد. بچه‌ها در طول سال به بهانه مناسبت‌های پخت غذا برای تعداد زیاد مهمان تجربه کرده بودند. این روزهای محرمی معمولاً درس‌ها را خیلی خوب پس می‌دهند. محسن و نوجوان‌های دیگری که با او در آشپزخانه همکاری داشتند، در روزهای محرم سال گذشته بسیار خوش درخشیدند.»

بعد از محرم، همسایه‌های مسجد برای اینکه از پخت بعضی غذاهای بچه‌ها مانند سبزی پلو با گوشت خیلی راضی بودند، به آن‌ها برای مهمانی‌های بزرگشان تا پنجاه نفر هم سفارش غذا می‌دادند. محسن آقاخانی ادامه حرف‌های حاجی را می‌گیرد و می‌گوید: درست است که مادرهایمان در آن خانه بودند و تدارکات شربت و بسته‌بندی غذاها و کارهای خرده ریز را انجام می‌دادند ولی اصل پخت و پز کار تیم نوجوانان بود. حتی آبکش کردن برنج را خودمان انجام می‌دادیم.

حاجی لیخندی می‌زند و می‌گوید: ما بارها دیده بودیم که دست و بالشان از بخار دیگ یا آب داغ برنج می‌سوخت، اما خم به ابرویشان نمی‌آوردند.

● ○ اینجا خبری از امرو نهی نیست

با بچه سخت نیست، می‌گوید: اینجا علاوه بر حسینیه کودک، مهد حسینی برای نوزادان دارد که از فرزند انمان در ساعات عزاداری مراقبت می‌کنند: همچنین بچه‌های کوچک که مدرسه نمی‌روند، می‌توانند آنجا بازی کنند و نقاشی بکشند و برنامه‌های دیگری هم برای آن‌ها تدارک دیده شده است. اما الان فرزند من در آغوش پدرش در قسمت مردها است تا کمی روضه حسینی بشنود. هر دو معتقدند با اینکه سختی مسیر دور تا این مسجد را به جان خریده‌اند، ارزشش را دارد: چون این مسجد زنده است و زندگی در آن در همه روزهای سال با برنامه‌های مفصلی که برای کودکان و نوجوانان دارند، جریان دارد.

بین جمعیت، هانیه شفیع همراه دختر جوانش وارد شبستان می‌شود. حسش درباره این مسجد خیلی خوب است. می‌گوید: خدا خیر روحانی این مسجد را بدهد که هوشمندانه بچه‌های نوجوان را دور هم جمع کرده و بسیار در تربیت اخلاقی و دینی آن‌ها مؤثر بوده است. سه سال است که با این مسجد آشنا هستیم. گاهی از روحانی جوان مسجد می‌خواهم پسر هم به اینجا بیاید و کمک دست کارهایشان باشد. همان روز که برمی‌گردد، تغییرات بسیاری را حس می‌کنم. حاج آقا هیچ چیز را به بچه‌ها امرو نهی نمی‌کند و آن‌ها اینجا آزادانه بازی و شوخی می‌کنند و بی‌آنکه متوجه نشوند، تعلیم هم می‌بینند. از شیشه شیری که دست دختر خانم شفیع است، متوجه می‌شوم که نوزاد دارد. وقتی می‌پرسم



● ○ همه کارشان را بلدند

کم‌کم مراسم رو به پایان می‌رود. عزاداران حسینی برای نوشیدن چای آخر روضه خارج می‌شوند. حاجی مدام به بخش‌های مختلف و کار بچه‌ها سر می‌زند، اما هیچ حرفی با بچه‌ها نمی‌زند. معتقد است که «اینجا همه مسئولیتشان مشخص است و کار را بلدند. نیازی به حرص و جوش و نگرانی نیست.» دوباره بچه‌ها سینی‌های رویی گرد را با استکان‌های تمیز روی سکوی ایستگاه می‌گذارند و کارشان را ادامه می‌دهند. اثری از خستگی در چهره بچه‌ها دیده نمی‌شود. هر چه هست، شوق خدمت است که خوب می‌توانی در تکاپویشان برای پذیرایی از مهمانان حسینی ببینی. حاجی می‌گوید: ما اینجا یک مدل زیست جمعی را تجربه می‌کنیم. یک مدل زندگی دقیق اجتماعی اسلامی که هرنوجوانی در چالش‌های زندگی امروز به آن نیاز دارد. اینجا مدل تربیتی نوجوانان در میدان تمرین می‌شود. همه مسجد‌ها و حسینی‌ها نوجوان دارند. شاید مساجد دیگر از نوجوانان بخواهند در زمینه مکتبی یا مؤذنی برای نمازهای مسجد مشارکت کنند. در مسجد المنتظر^(عج) اما اصراری به این نیست: «ما از نوجوان کار جدید می‌خواهیم. به جز آموزش مکتبی و چوب‌پر به دست نوجوان دادن برای خادمی و پذیرایی، صفر تا صدر مراسم را به نوجوان‌هایمان که حدود پنجاه نفر هستند، سپرده‌ایم. این فعالیت‌های یک بعدش خدمت به مهمانان حسینی است و یک بعدش تعلیم بچه‌هاست. هر قدر کار سنگین تر باشد، این بچه‌ها با تجربه‌تر می‌شوند. به همین دلیل من دوست دارم بتوانیم هر شب شام بدهیم.» همین می‌شود که وقتی یکی از معلمان مدرسه به سبحان انگ کاری اشتباه را می‌زند، می‌ایستد و محکم می‌گوید: آقا من بچه مسجدی‌ام. این کارها را ما بر نمی‌آید.

● ○ ریش سفیدان آبروی مجلس‌اند

اکنون برای محرم، بیش از ۳۵ نوجوان به خدمت مشغول‌اند و حدود بیست نفر در سنین بالاتر و یک گروه از ریش سفیدان و پیر غلام‌ها هم بر کارشان نظارت دارند تا به قول حاج آقا آریانی، جوان‌ترها از اصول ملی و دینی منحرف نشوند. به نوعی معتمدان و بزرگ‌ترها آبروی مجلس‌اند و حمایت‌های معنوی و مادی بسیاری انجام می‌دهند. مجتبی آریانی می‌گوید: آن‌ها از قدیم هم به این فرمایش امام صادق^(ع) عمل می‌کنند که فرمودند نوجوان‌های قومتان را در یابید. بزرگ‌ترها اینجا در نمازها و برنامه‌ها حضور دارند و همیشه ما را راهنمایی می‌کنند. این مسجد در دهه ۷۰ حاج آقا سید حسین موسوی را داشت که معلم بود و با حضورش، مسجد پراز کودکان و نوجوانان می‌شد. حاج آقا موسوی الان هم در کنار مسجدی‌ها حضور دارد و راهنمایی‌شان می‌کند.



فضای روستایی و عشایری زیست پارک، تفرجگاه خانوادگی مشهدی ها شده است

تجربه یک زیست متفاوت



مکان نما

● همراهی نوه ها و پدر بزرگ ها

غلامزاده، سعیدی و تقی زاده هر روز مسیر دو کیلومتری را از نه دره تازیست پارک پیاده طی می کنند. احمد غلامزاده که هجده سال است بدون وقفه این مسیر را می پیماید، می گوید: این مسیر تا به حال خاکی بود. بیست دقیقه طول می کشید تا از نه دره به باغ معین در کوه پارک برسیم. از هفته گذشته که این رینگ آسفالت شده است، راحت تر می توانیم بپیاییم و در زیست پارک توقف کنیم.

علی سعیدی هم با خنده می گوید: حالا می توانیم نوه هایمان را هم روی دو چرخه بنشانیم و بیاوریم. دیگر بهانه ای برای سختی مسیر ندارند.

سعیدی و غلامزاده و تقی زاده سال ۹۷ درختان بید عرعر در باغ معین کوه پارک می کارند و خودشان هم این درختان را آبیاری می کردند. آن ها از آنجایی که بچه نه دره هستند، چشمه های آب قدیمی را پیدامی کردند و بعد از احیای چشمه ها، از آب آن ها برای آبیاری درختانی که کاشته بودند، استفاده می کردند.



پند سیاه چادر بزرگ به سبک عشایر وجود دارد و اسطبل و زمین بزرگی که بچه ها در آن اسب سواری و الاغ سواری می کنند. فضایی نیز برای بازی در نظر گرفته شده است

● فضای شاد مادر و فرزندی

در کنار سیاه چادرهای عشایری، گروهی از مادران نشسته اند و بچه ها هم مشغول بازی اند. عده ای می دوند و دنبال هم می کنند و چند نفری هم منتظرند تا برای الاغ سواری نوبتشان شود. مادر مهرداد، کاسه آش را جلو پسرش می گذارد تا بعد از کلی دویدن که اشتهاش باز شده است، آن را نوش جان کند و می گوید: اگر خانواده ها برای بچه هایشان وقت بگذارند، فرزندان سالم تر و شادتری تربیت می کنند. محیط زیست پارک، فضای کافی برای بازی بچه ها دارد. مادر سحر بانیم خنده ای می گوید: اینجا مادرها هم حوصله شان سر نمی رود.

● ورود موتور ممنوع

مسیر دو چرخه سواری زیست پارک شیب ملایم و پیچ و تاب های دل نشینی دارد. گاهی پیش می آید که موتور سواران هم سروکله شان اینجا پیدا می شود، ولی با تذکر نگهبانان پارک برمی گردند تا مسیر برای دو چرخه سواران ایمن باشد.

محسن، یکی از کارگران زیست پارک، یادیدن دوجوانی که به دور از چشم نگهبانان، از شهرک صابر باموتور آمده اند، می گوید: دو چرخه سواران هنوز این مسیر جدید را نمی شناسند. کافی است یکی از گروه های دو چرخه سواری مطلع شود تا پای رکاب زنان به اینجا باز شود؛ آن وقت خودشان نمی گذارند موتور هارد شوند و به آن ها تذکر می دهند.

نجمه موسوی کاهانی فصل تابستان است و بوستان ها و تفرجگاه های شهر پر از آدم هایی است که می خواهند عصرهای این فصل گرم را در طبیعت بگذرانند، اما به نظر می رسد در میان شلوغی پارک های بزرگی مانند وکیل آباد و کوه پارک و خورشید، زیست پارک مشهد از نگاه شهروندان پنهان مانده است. محوطه بیست هکتاری در انتهای کوه پارک که با داشتن فضاهای زیبا و دوست داشتنی باغ تاژ، باغ نشاط و باغ روستا می تواند اوقات خوشی را برای شما و خانواده تان رقم بزند. اگر کمی هم اهل ورزش باشید، افتتاح مسیر پیاده روی و دو چرخه سواری زیست پارک برایتان خبر خوبی است.



● شب های خاطره انگیز باغ روستا

زیست پارک با داشتن سه بخش متفاوت که هر کدام برای مخاطب خاصی در نظر گرفته شده، در انتهای بخش دره مانند کوه پارک قرار گرفته است. کافی است در آخرین نقطه کوه پارک خود رویتان را بگذارید و حدود بیست پله سنگی را پایین بیاورید تا برسید به باغ روستا. محوطه ای با چند خانه روستایی و مرغ و خروس هایی که دان می خورند. برکه آب و مرغابی هایش هم بخشی از این روستا هستند و شما می توانید روی تخت هایی که برای استراحتتان گذاشته شده است، بنشینید و در آرامش روستا انواع غذاهای سنتی را نوش جان کنید. رضا داوطلب، مدیر کوه پارک و زیست پارک، می گوید: تعدادی از مردم می خواهند در کوه پارک زیراندازی پهن کنند و با خانواده استراحت کنند. برخی هم کوه نوردانی هستند که قصدشان رفتن به قله است. تعداد زیادی از دو چرخه سواران کوه پارک را برای رکاب زنی انتخاب می کنند. اما عده ای از مردم می خواهند بیایند و از فضای خاطره انگیز روستا لذت ببرند و از امکانات پذیرایی و غذای سنتی استفاده کنند. مادر دو بخش باغ روستا و باغ تاژ مجموعه تفریحی زیست پارک، امکان پذیرایی از مردم را فراهم کرده ایم؛ البته به تازگی رینگ دو چرخه زیست پارک به طول ۱۲۷۰ متر نیز افتتاح شده است. این رینگ می تواند مسیر دو چرخه را از ابتدای کوه پارک در بولوار دلاوران به انتهای بولوار لادن متصل کند.

● پذیرایی باباطاهر و فاطمه خانم

حدود پنج دقیقه که پیاده روی کنید، می رسید به باغ نشاط؛ بخش جذابی که جوان ها و نوجوان ها بیشتر از آن استقبال می کنند. چند وسیله بازی مهیج مانند فوتبال دستی، گول پیکر در این قسمت وجود دارد که می تواند به دورهمی های دوستانه تان هیجان ببخشد. درست روبه روی آن هم باغ تاژ است. چند سیاه چادر بزرگ به سبک عشایر وجود دارد و اسطبل و زمین بزرگی که بچه ها در آن اسب سواری و الاغ سواری می کنند. فضایی نیز برای بازی در نظر گرفته شده است که می توان در آن با تفریحاتی مثل تیراندازی با کمان و تفنگ، زمین ماراتون، فضایی مناسب بازی های گروهی و کارگاه صنایع دستی و سفال سرگرم شد.

در سیاه چادرها باباطاهر با دست پخت خوشمزه فاطمه خانم از شما پذیرایی می کند. نان داغ محلی که از تنور درآمده است، کنارش رشته، عصر تابستانی را دلپذیرتر می کند. ابوالفضل طاهری که اینجا همه او را بانام باباطاهر می شناسند، با سینی پر از نان از کنار تنور فاطمه خانم می آید به سمت تخت هایی که زیر درختان گذاشته شده اند تا از مهمانانش پذیرایی کند. او می گوید: در سیاه چادرها فضای پذیرایی از مهمانی ها را هم داریم. یکی از سیاه چادرها به تخت ظرفیت هشتاد مهمان دارد و دیگری با چهار تخت پذیرای حدود سی نفر است. به سمت سیاه چادر بزرگ اشاره می کند و می گوید: آن یکی هم آشپزخانه خودمان است که فاطمه خانم در آن برایتان انواع غذاهای خوشمزه و سنتی را می پزد. باباطاهر با خنده شوخ و شنگی که نشان می دهد دلش هنوز جوان است، می گوید: جوان های ما می آیند اینجا و گروهی مافیا بازی کنند. شب های زیست پارک خیلی باصفاست.



یادبودی از مهدی جودی ثانی، شهید مدافع حرم در سالروز شهادتش

سید مهدی رنگ شاه توت ها را ندید

۱۰

صندوق
خاطرات

● کمک به سربازها به نیت امام رضا (ع)

هم رزمانش می گفتند از وقتی سید مهدی به آن ها ملحق شده است، در سوریه پیشرفت زیادی کرده اند. او به عنوان مستشار در توپخانه کار می کرد و در مدت کوتاه حضورش، داعش را تا شصت کیلومتری دمشق ناچار به عقب نشینی کرده بودند.

پدرش می گوید: یک بار گفت «پدر می خواهم به حرم امام رضا (ع) بروم و مقداری پول را در ضریح ببندم»، رو به او کردم و گفتم «پسر من راه بهتری هم سراغ دارم»، پرسید چه راهی. گفتم «همان راه به نام امام رضا (ع) در پاکت بگذار و به سربازهای نیازمند بده»، او این کار را کرده بود. خیلی از سربازهای هم رزمش بعد از رفتن او، پاکت هایی داشتند که از دست سید مهدی گرفته بودند.

سید مهدی همین بود: پسری که همیشه می گفت می خواهد گمنام بماند. اهل نماز و روزه های مستحبی بود و برای اهل بیت (ع) مداحی می کرد. زیاد اهل صحبت نبود، چون باور داشت عملت باید تو را تعریف کند.

جوانه هایشان را جدای می کردم. خیلی زود پیوند را پذیرفت و میوه داد. اردیبهشت سال شهادت سید مهدی که او عزم آن سفر ۴۵ روزه بی بازگشت را کرد، درختان هنوز میوه ای نداشت. گفت «بابا! من دارم می روم. از این شاه توت ها برای من هم نگه دار»، او که رفت، شاه توت های درخت سرخ سرخ شد، آن قدر سرخ که به سیاهی می زد. چند روز پیش از شهادتش بار درخت را چیدم و شاه توت ها را در یخچال نگه داشتم. سید مهدی رنگ شاه توت ها را ندید اما همان ها کام کسانی را که خبر شهادتش را آوردند، شیرین کرد.



آری تا عطار درست یک هفته پیش، سالگرد تولد شهید مهدی جودی ثانی بود و امروز هم سالگرد شهادتش؛ همان روزی که به نقل از پدر شهید، آسمان غریب و طوفانی شد و باران زد و بعد هم یک رنگین کمان زیبا در امتداد چشمانش به سوی حرم امام رضا (ع) در آسمان نقش بست. انگار آسمان، آغوشش را برای روح پاک سید مهدی گشود و اندکی بعد، ابرها کنار رفتند و هلالی رنگین تسلا دل پدر و مادر این شهید مدافع حرم شد.

● مهدی شاخه ها را می برید و من جوانه ها را

سید حسین و همسرش، عصمت خانم، با اینکه فرزندشان در ۲۰ تیرماه سال ۱۳۹۶ پیر کشید، هنوز حضور سید مهدی را در گوشه گوشه زندگی شان حی و حاضر می دانند. سید حسین می گوید: درخت شاه توت حیاط خانه مان را ۱۰ سال پیش از شهادت سید مهدی، همراه او پیوند زدم. درخت نر بود و باری نداشت. مهدی شاخه ها را می برید و من

تعدادی از بانوان خیابان دلاوران، با فکری بکر به درآمدزایی رسیدند

۹

کارآفرینی در زیرزمین یک مسجد



عیدگاه

● کارهای بزرگ با سرمایه های کوچک

محبوبه تقوی مسئول این آشپزخانه است، از مرحله خرید گرفته تا پخت. می گوید: حدود ۱۰ نفر از خانم های مسجد جمع شدیم. هر کدام سرمایه اندکی که داشتیم، وسط گذاشتیم و باهم شریک شدیم.

نگاهش را به سمت دیگرهای بزرگ شربت می برد و ادامه می دهد: می خواستیم بگوئیم با سرمایه های کوچک هم می توان کارهای بزرگ انجام داد. رفتیم مرغ و سبزی و مواد اولیه خریدیم و کار را شروع کردیم. خانم هایی که مشغول کارند، گاهی صلوات می فرستند تا کسب و کار نوپایشان برکت کند و گاهی شوخی و خنده را چاشنی کارشان می کنند. فاطمه سالار مرادی، بانوی دیگری که در آشپزخانه اقتصاد مقاومتی مسجد حجت بن الحسن (ع) مسئولیت دارد، می گوید: اینجا انواع شربت و کالباس و غذای گرم و سبزیجات خانگی را تولید می کنیم. خانم های مسجدی به ما اعتماد می کنند و خوشبختانه فروش خوبی داریم. هدف ما این است که کار را گسترش دهیم و خانم هایی را که نیاز به حمایت شغلی دارند، به کار بگیریم.

می گوید: حجت الاسلام والمسلمین روح... فدایی امام جماعت مسجد محله ماست. ایشان خودشان یک کارآفرین است و روی مسائل اقتصادی و کارهای تولیدی تأکید بسیار دارد. به همین دلیل در میان کارگروه های مختلفی که در این مسجد راه اندازی کرد، کارگروه اقتصادی را هم ایجاد کرد و من به عنوان مسئول بخش خواهران انتخاب شدم.

فرزادی دست فرزند کوچکش را می گیرد تا آرام آرام باهم از پله های آشپزخانه پایین بروند و ادامه می دهد: آشپزخانه مسجد که در زیرزمین قرار دارد، فقط سالی دوسه بار در مناسبت ها مورد استفاده قرار می گرفت. ما به حاج آقا فدایی پیشنهاد کردیم که در این آشپزخانه، محصولات خوراکی خانگی تولید کنیم. نزدیک دوماه طرح مادر کارگروه اقتصادی مسجد بررسی می شد تا بالاخره نواقص آن رفع و از ماه قبل اجرا شد.

اهالی محل این قدر خاطرشان از سلامت و رعایت بهداشت در اینجا جمع است که قبل از کامل شدن بسته بندی ها، می آیند و سفارششان را به اکرم خانم یادآوری می کنند.

نجمه موسوی کاهانی ابوی سبزی خردشده در هوا پیچیده است. هر یک از خانم ها مشغول کاری است و زهرا خانم که تجربه آشپزی در مجالس و هیئت ها را دارد، روی نشستن و بسته بندی خوراکی ها نظارت دارد. غذاهای آماده را در بخش دیگری از آشپزخانه بسته بندی می کنند و عده ای هم مشغول پرکردن شیشه های شربت هستند.

تا چند ماه قبل، آشپزخانه مسجد حجت بن الحسن (ع) فقط در مناسبت ها استفاده می شد اما حالا تبدیل شده است به محل درآمدتعدادی از خانم های محله سرافرازان که خودشان می خردند و می شویند و خرد می کنند و آماده می کنند و حتی می پزند. با این کار هم به سفره مردم محله شان رونق می دهند و هم به سفره خودشان، برکت.

● امام جماعت مسجد یک کارآفرین است

اکرم فرزادی مسئول کارگروه اقتصادی بانوان مسجد و یکی از بانوانی است که برای راه اندازی آشپزخانه تلاش کرده است. او



مجمع فرهنگی حضرت فاطمه معصومه (س)
یکی از مراکز مذهبی فعال در قاسم آباد است که بخش هایی مانند حوزه علمیه بانوان، کتابخانه، کلاس های قرآنی و سالن مطالعه را در خود جای داده است و ساختش به سال ۱۳۸۵ بازمی گردد.

ساخت مسجد ولی عصر (عج) به سال ۱۳۷۸ برمی گردد و علاوه بر برگزاری نماز، برنامه های ورزشی و قرآنی در آن اجرا می شود. این برنامه ها در تابستان ها اوقات فراغت دانش آموزان محله را پر می کند.



عکس: رضا ریاحی/شهر آرا

اینجا بازار محله پرویمانی دارد

رضاریاحی اکوچه شریعتی ۴۰ در محله شریعتی به اسم شهید رضامرادی زیرمهری نام گذاری شده است. این معبر، بخشی از محدوده پررفت و آمد چهارراه مخابرات در قاسم آباد محسوب می شود که چهارکاری مذهبی و فرهنگی، تجاری، فضای سبز و آموزشی را در خود جای داده و یکی از دو مرکز محله شریعتی محسوب می شود. وجود دو مجتمع تجاری ویژه پوشاک، پارچه، پرده و همچنین فروش و تعمیرات موبایل در ورودی این خیابان، کاربرد فرامحلی دارد و ترافیک نسبتاً زیادی به این خیابان تحمیل کرده است.

کوچه
شریعتی ۴۰



دبستان دخترانه دوره اول و دوم «رسالت معلم» سال ۱۳۷۲ افتتاح شد. این مرکز آموزشی در دوتوبیت تحصیلی، هر روز پذیرای بیش از هزار دانش آموز مقطع ابتدایی است.

بوستان «شیرین» در ابتدای خیابان شریعتی ۴۰ قرار دارد. این فضای سبز دو هکتاری امکانات مختلفی دارد که از جمله آن می توان به پارک بازی کودکان، تجهیزات ورزشی، نشیمن و روشنایی مناسب اشاره کرد.



این خیابان علاوه بر مجتمع های تجاری که در ورودی آن جای گرفته، «بازار محله» پرویمانی هم دارد و انواع خدمات مانند سوپرمارکت، نانوا، میوه فروشی، مغازه لوازم تحریر، لبنیات، رستوران در آن قرار گرفته است.